



Newsweek

الگوی تحریم علیه ایران چگونه کار می کند و چگونه از کار می افتد؟

شکست حداکثری «فشار حداکثری»

◀ **امیرحسین شمالی**
پژوهشگر

بیش از ۴ دهه است که «تحریم» (sanctions) به یکی از ارکان مهم محافل گوناگون ضد ایرانی تبدیل شده است. زمانی که خط سر تحریم‌ها و فشارها علیه ملت ایران را بررسی می‌کنیم، به وضوح در می‌یابیم که هر چه بر آهنگ رشد و تعالی ایرانیان در جنبه‌های متعدد علمی، نظامی، اقتصادی و... افزوده شد، فشار غربی‌ها بر ایران نیز به پهنانه‌های مختلف اضافه شد و دست به هر کار و اقدامی زدند و می‌زنند تا از الگو شدن مردم ایران برای مردم منطقه و جهان خودداری کنند. «فشار حداکثری» نیز کلیدواژه‌ای است که از زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ علیه ایران رواج پیدا کرد و بر اساس آن این کشور تلاش کرد تا روزرو نه‌ای در جهت تأمین منافع مردم ایران را مسدود سازد تا بدین وسیله مسیر پیشرفت مکتی به خود ایرانیان متوقف و کند شود اما باید دید که این سیاست طی سال‌های گذشته چه تأثیری بر ایران داشته و نقاط قوت و ضعف ایران در برابر این سیاست چه بوده است.

◀ **ماهیت فشار حداکثری و سابقه آن علیه مردم ایران**

برخلاف تصور عموم، سابقه سیاست فشار حداکثری علیه ایران، به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یا حتی به زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ بازمی‌گردد بلکه این سیاست در سده معاصر ما، در هر زمانی که غرب احساس کرد مردم ایران در حال یافتن استقلال هستند، اعمال شد.

اگر کمی به گذشته برگردیم، به وضوح می‌بینیم که مرحوم مصدق نه داعیه برهم زدن نظم جهانی را در سر داشت و نه دست به ایجاد و تقویت محور مقاومت زده بود اما تنها بواسطه استقلال طلبی مردم ایران، بهای سنگینی را پرداخت کرد و تحریم‌های فنی اعمال شده علیه دولت او، در عمل ادامه راه را برای مصدق غیرممکن ساخت.

حداکثری علیه ایران» عنوانی است که به طور خاص از زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ رواج پیدا کرد.

این کمپین، به فشار حداکثری به تشدید تحریم‌ها علیه ایران توسط دولت ترامپ پس از خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۸ اشاره دارد. هدف از این کارزار تحت فشار قرار دادن ایران برای مذاکره مجدد برجام، افزودن محدودیت‌های بیشتر بر برنامه هسته‌ای ایران و گسترش دامنه توافق برای پوشش موشک‌های بالستیک ایران و همچنین سایر فعالیت‌های منطقه‌ای کشور بود.

ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و چندین تحریم غیرهسته‌ای جدید علیه ایران اعمال کرد که برخی از آنها توسط ایران به‌عنوان نقض توافق حداکثری محسوب شد. در نوامبر ۲۰۱۸ نیز ایالات متحده به طور رسمی تمامی تحریم‌هایی را که قبل از خروج آمریکا از برجام برداشته شده بود، مجدداً اعمال کرد.

دولت ترامپ برای رهایی تهران از تحریم‌ها، تقاضاهای فراگیری در قالب «فهرست دوازده‌گانه» ارائه کرد. فهرستی که شامل خاتمه‌بخشی کامل اورانیوم غنی‌سازی، توقف توسعه سیستم‌های موشک بالستیک قابل حمل کلاهک اتمی، توقف حمایت از سازمان‌های به زعم خود تروریستی در منطقه و جهان، احترام به حاکمیت عراق، خروج نیروهای تحت فرمان ایران از سوریه و توقف تهدید دولت‌های منطقه و... می‌شد.

جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران،

تحمیل تحریم‌های شدید اقتصادی و قطع صادرات نفت- به‌عنوان عمده‌ترین منبع تأمین‌کننده درآمد‌های ایران- بخش مهمی از نظام تحریمی دولت ترامپ را تشکیل می‌داد، با وجود این، تحریم نظام مالی ایران به‌عنوان عنصر قوام‌بخش دور جدید تحریم‌ها، از سوی نهادهای مختلف به دولت ترامپ پیشنهاد شد.

«بنیاد دفاع از دموکراسی» که از مهم‌ترین نهادهای حامی سیاست فشار حداکثری علیه ایران بود، تحریم‌های اقتصادی را مهم‌ترین ابزار برای وادار کردن رهبران ایران برای بازگشت به میز مذاکره می‌دانست و در پیشنهادات خود، خواهان حفظ تحریم‌های اقتصادی حتی در زمان انجام مذاکرات بود.

تلاش برای معرفی ایران و رفتارهای این کشور به‌عنوان تهدیدی برای امنیت جهانی، از وجوه دیگر فشار حداکثری علیه ایران بود.

هدف اصلی از پیشبرد این رهیافت، همراه کردن سایر کشورها، بویژه کشورهای اروپایی با سیاست فشار حداکثری آمریکا و همچنین مشروعیت‌بخشی به این سیاست بود.

رفتن هوک حامل هیچ پیام مثبتی به ایران نبود و اگر از منظر هویت شخص جایگزین به قضیه بنگریم، انتخاب ایوت آبرامس به جای وی حامل این پیام بود که سیاست فشار حداکثری آمریکا سرسختانه‌تر از قبل دنبال خواهد شد؛ از این جهت که آبرامس از طراحان اصلی جنگ عراق و نیز نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ونزولاً بود. این جایه‌جایی نشان از آن داشت که هر نوع گشایش دیپلماتیک در تنش میان آمریکا و ایران در سه ماهه منتهی به انتخابات غیرممکن‌تر از قبل خواهد بود و کار را برای دوطرف سخت‌تر می‌کرد.

◀ **فشار حداکثری در چه حوزه‌هایی دنبال می‌شود؟**

همان‌طور که اشاره شد، دونالد ترامپ با انتخاب قید «حداکثری» برای دور جدید سیاست‌های خود علیه ایران، تمام قدر بی‌بستن همه منافذ و منافع به روی ملت ایران آستین باز داد و تحریم‌های گسترده‌ای را به پهنانه‌های حقوق بشری، نظامی و... علیه ایران اعمال کرد.

این تحریم‌ها به حدی شدت یافت که رفته رفته حتی بسیاری از صنایع پایین دستی ایران را نیز در بر می‌گرفت و از پتروشیمی ایران تا صنایع کشتی‌سازی نیز از این تحریم‌ها در امان نبودند. حوزه تحریم‌ها در دولت ترامپ چنان افزایش یافت که سخن از تحریم هوشمند به میان آمد و حتی افرادی که به نوعی در شائبه همکاری با ایران بسر می‌بردند، شامل تحریم‌های آمریکایی می‌شدند. مهم‌ترین اقدام دولت ترامپ در پیشبرد

◀ **ماجراهای اخیر چه تأثیری بر سیاست فشار حداکثری گذاشت؟**

همان‌طور که پیش از این گفته شد،

امنیت ملی آمریکا، گفت: «از جان باختن مهسا امینی که طبق گزارش‌ها هنگام بازداشت از سوی پلیس اخلاق مورد ضرب و شتم قرار گرفته بسیار نگران هستیم. ما به تلاش‌های خود برای پاسخگو کردن مقام‌های ایران برای این موارد نقض حقوق بشر ادامه خواهیم داد.»

جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران نیز نسبت به رفتار جمهوری اسلامی با مهسا امینی ابراز تأسف و ناراحتی عمیق کرد و افزود که این حادثه نشانه‌ای از نقض گسترده حقوق بشر در ایران است.

پس از چند روز مجدداً مقامات آمریکایی به مداخلات خود ادامه دادند و لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل در مصاحبه با نشریه بیپل گفت: «حقوق زنان، حقوق بشر است و ما وظیفه داریم از زنان شجاع ایرانی دفاع کنیم.»

او افزود: «نمی‌توانم تصور کنم که زنان ایرانی امروز مجبور به تحمل چه نوع جنم و شکنجه‌ای هستند، فقط به این دلیل که می‌خواهند خودشان تصمیم بگیرند که چگونه لباس بپوشند.»

گرینفیلد ادامه داد: «مسأله فوت مهسا امینی در اداره پلیس سطح تازه‌ای از واکنش‌ها را در داخل و خارج ایران علیه جمهوری اسلامی برانگیخته است.»

سفیر آمریکا در سازمان ملل مدعی شد: «کسپویری از زنانی دیدم که پشتشان بر اثر اصابت گلوله زخمی شده بود و خونریزی داشتند، آنها باید از دنیا بشنوند که مورد حمایت هستند.»

گرینفیلد تأکید کرد: «حقوق بشر حقوقی است که همه ما باید از آن حمایت کنیم، حقوق زنان حقوق بشر است و ما باید بنواییم از این زنان شجاع دفاع کنیم. شنیده شدن زنان ایرانی مهم است، این به آنها می‌گوید که وقتی اقدام شجاعانه‌ای در خیابان‌ها انجام می‌دهند، از حمایت جهانیان برخوردار هستند.»

روز سه‌شنبه ۲۹ شهریور (تنها به فاصله ۴ روز از بروز حادثه)، تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل فرصتی را در اختیار مقامات کشورهای غربی قرار داد تا هماهنگی خود در اعمال فشار علیه ایران را بیش از پیش نشان دهند.

در این روز آنالینا بائربوک، وزیر خارجه آلمان در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در شهر نیویورک ایالات متحده از رهبری ایران خواست زان ایرانی که برای دستیابی به حقوق اولیه خود دست به اعتراض زده‌اند را بشنود. او گفت: «حرف آنها باید شنیده شود، زیرا این زنان خواهان حقوقی هستند که هر فردی باید آن را داشته

اخیر به کار برده شد که این امر به مخدوش شدن چهره ایران نزد افکار عمومی منجر شد.

دومین دلیل ناکامی غربی را نیز باید در «امنیت اجتماعی شده» جمهوری اسلامی ایران جست و جو کرد که بر اساس آن

امریکا در جریان سفر به خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۱۹، از تشکیل کنفرانسی جهانی با تمرکز بر امنیت خاورمیانه، بویژه رفتارهای ایران در روزهای ۱۳ و ۱۴ فوریه ۲۰۱۹ (۲۴ و ۲۵ بهمن ۱۳۹۷)خبر داد. پمپئو هدف از این نشست را تمرکز بر صلح و امنیت در خاورمیانه و تضمین ممانعت از اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران، اعلام کرد که با وجود تلاش‌های گسترده وزارت خارجه آمریکا، نشست لهستان با استقبال چندانی از سوی کشورهای اروپایی، همراه نشد.

برهه دیگری از تلاش آمریکا برای بین‌المللی کردن تهدیدات ایران، با حملات به نفتکش‌ها در دریای عمان و خلیج فارس آغاز شد. حمله به نفتکش‌ها در بندر فجیره امارات و همچنین حمله به دو نفتکش «کوکا کوریجوس» ژاپن و «فرونٹ آلتز» نروژ در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹ سبب شد تا مقامات ایالات متحده، نیروهای وابسته به ایران را مسئول حملات، معرفی کنند.

در کنار موارد یاد شده باید یادآور شویم که سیاست فشار حداکثری بر ایران از سوی ایالات متحده دارای جنبه‌های متعدد دیگری از جمله تهدید نظامی علیه ایران، حملات سایبری متعدد، حمله به نیروهای متحد ایران در منطقه، تلاش برای بر هم زدن روابط حسنه ایران با کشورهای منطقه (خصوصاً عراق و لبنان) و... می‌شد

که این سیاست‌ها تنها در زمان دولت ترامپ دنبال نشد بلکه با روی کار آمدن جو بایدن نیز در عمل این سیاست‌ها ادامه پیدا کرد و بر جوانب آن اضافه شد. سیاست‌هایی که در ۳ ماهه اخیر از شدت بسیار بیشتری برخوردار شد و در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

در کنار موارد یاد شده باید یادآور شویم که سیاست فشار حداکثری بر ایران از سوی ایالات متحده دارای جنبه‌های متعدد دیگری از جمله تهدید نظامی علیه ایران، حملات سایبری متعدد، حمله به نیروهای متحد ایران در منطقه، تلاش برای بر هم زدن روابط حسنه ایران با کشورهای منطقه (خصوصاً عراق و لبنان) و... می‌شد

که این سیاست‌ها تنها در زمان دولت ترامپ دنبال نشد بلکه با روی کار آمدن جو بایدن نیز بوده است.

در جریان آشوب‌های پس از فوت مرحوم مهسا امینی، شاهد آن بودیم که فشار حداکثری علیه ایران از سوی دولت‌های غربی به‌صورت عریان در دستور کار قرار گرفت و هر از گاهی شاهد اظهارات و تجویزهای این افراد برای ایران بودیم. هنوز ساعاتی از انتشار خبر فوت خانم امینی نگذشته بود که جیک سالیوان، مشاور

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

چهره از پشت‌پرده اعتراضات در ایران برداشت و فرصتی فراهم شد تا دولت‌های غربی در قبال ایران تغییر رویکرد نشان دهند اما نه تنها این اقدام صورت نگرفت بلکه انتشار یک مصاحبه از سوی جان بولتون، نقش مستقیم غرب در مسلح کردن آشوبگران و دامن زدن به اغتشاشات در ایران را بر ملا کرد.

وی در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی در پاسخ به این پرسش که واکنش آمریکا در این برهه باید چگونه باشد، با اعتراف به مداخلات واشنگتن در امور ایران، مقامات آمریکایی را به برقراری روابط نزدیک با گروهک‌های خارج‌نشین معاند جمهوری اسلامی که با گروهک‌های داخلی ارتباط دارند، تحریک کرد و خواستار فراهم کردن «نیازهای» آنها (در حوزه ارتباطات و...) شد.

وی همچنین مدعی شد که یکی از اشتباهات دولت بایدن در دو سال گذشته این بوده که سعی داشته توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ را زنده کند.

بولتون همچنین با اعتراف به مسلح شدن اپوزیسیون ایران از طریق اقلیم کردستان عراق، این اقدامات اغتشاشگران را «تلاشی نظام‌مند و سیستماتیک» در راستای اعمال زور علیه حکومت عنوان کرد؛ و دقیقاً در همین زمان بود که کارگردان برنامه تصمیم به قطع ناگهانی برنامه گرفت!

مجموعه اقدامات غربی‌ها طی ۹۰ روز گذشته به وضوح نشان داد که آمریکایی‌ها در حال تکمیل پازل‌های کارزار فشار حداکثری بر ایران هستند و در این مرحله به ابزار حقوق بشری و سیاسی برای فشار به ایران روی آوردند.

◀ **چرا سیاست فشار حداکثری هنوز به نتیجه نرسیده‌است؟**

در بررسی موفقیت سیاست فشار حداکثری بر ایران توسط ایالات متحده باید از دو مقطع زمانی نام برد؛ مقطع نخست پیش از ماجرای مهسا امینی و مرحله دوم پس از ماجرای مهسا امینی.

در مرحله نخست، تقریباً یک اجماع همگانی در داخل و خارج از آمریکا مبنی بر شکست سیاست مذکور وجود دارد؛ برای نمونه دیدید واکش که برای شورای اتلانتیک می‌نویسد، اظهار داشت: «یک سیاست متعصراً تنبیهی بدون همراهی دیپلماتیک خارج از رمپ، تهران را تشویق می‌کند تا با تحمیل هزینه بر متجاوزان مورد نظر خود، از طریق تنش با آتش مبارزه کند!»

سایت گروه بین‌المللی بحران نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست فشارحداکثری شکست خورده آمریکا علیه ایران»(در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۲۱) اظهار داشت که سیاست‌های ترامپ نه‌تنها در توقف برنامه هسته‌ای ایران موفق نبود بلکه نگاهی به آزاد اورانیوم غنی‌شده ایران، ذخایر کیک زرد، تعداد سانتریفیوژها و همچنین عدم اجماع جهانی علیه ایران به صریح است. شکست سیاست ترامپ حکایت داشت.

سی‌ان‌ان هم در توصیف شرایط روی کار آمدن بایدن نوشت: «سیاست‌های دولت ترامپ مانند بی‌کفایتی در مورد ایران و دادن پاس گل رایگان به کره شمالی سبب شد تا شمار زیادی از دشمنان ایالات متحده در چهار سال اخیر احساس قدرت کنند.»

با وجود اذعان کارشناسان و سیاستمداران مبنی بر سیاست شکست‌خورده ترامپ، جو بایدن نیز به سیاست ترامپ ادامه داد و در عمل توانست در سیاست خارجی ایالات متحده گشایشی ایجاد کند.

اما سیاست فشار حداکثری در مقطع دوم (پس از ماجرای مهسا امینی) توانست ضعف مهم سیاست ترامپ را جبران کند و به دنبال اجماع جهانی علیه ایران بود؛ اما با وجود فشارهای متعدد و استفاده از راهکارهای متعدد برای مقابله با ایران، همچنان غرب ناکام مانده است.

در پاسخ به چرایی عدم موفقیت غرب در مقطع کنونی باید توجه داشت که اولاً کانون هدایت اعتراضات در حوادث اخیر نه داخل ایران و در لایه‌های اجتماعی بلکه در خارج از ایران و با تکیه بر عناصری بود که در میان ایرانیان جایگاهی نداشتند، اما در عین حال باید توجه داشت که مانور رسانه‌ای گسترده‌ای علیه ایران در حوادث اخیر به کار برده شد که این امر به مخدوش شدن چهره ایران نزد افکار عمومی منجر شد.

دومین دلیل ناکامی غربی را نیز باید در «امنیت اجتماعی شده» جمهوری اسلامی ایران جست‌وجو کرد که بر اساس آن نظام سیاسی تأمین امنیت را تنها بر عناصر نظامی و امنیتی خود استوار نکرده بلکه با تدارک دیدن سازکار مردمی تأمین امنیت (مانند بسیج) توانسته بر این هجمه فائق

آید. به نظر می‌رسد با توجه به شکست مجدد فشار حداکثری بر ایران، مجدداً غربی‌ها اهرم‌های اقتصادی را برای الزام ایران به کار برند و موفقیت یا عدم موفقیت آنها به میزان آمادگی اقتصادی کشور بستگی دارد.

ایران که هم اکنون برای به دست آوردن حقوق اولیه خود نظاهرات می‌کنند، اعلام همبستگی می‌کنیم.»

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز که در حاشیه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ابراهیم رئیسی دیدار کرد، گفت که در این دیدار درباره حقوق بشر و بویژه حقوق زنان در ایران با رئیسی گفت‌وگو کرده است تا از این طریق ایران را تحت فشار قرار دهد.

فشارها بر ایران در این روز چنان افزایش یافت که حتی کشورهای سایر مناطق جهان نیز با غربی‌ها همراه شدند و گابریل بوریه، رئیس‌جمهور شیلی، در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل با یاد کردن از مهسا امینی گفت: «ما به اعلامیه‌ها نیاز نداریم. ما احتیاج به عمل داریم تا تلاش خود را معطوف به توقف خشونت علیه زنان کنیم؛ چه در ایران باشد و به یاد مهسا امینی که در بازداشت پلیس کشته شد و چه هر جای دیگر در جهان.»

آغاز مهرماه، همزمان بود با موج جدید فشار حداکثری بر ایران و در روز اول مهر بود که سخنگوی کاخ سفید در کنفرانس خبری در پاسخ به پرسشی درباره واکنش دولت بایدن به جان باختن مهسا امینی، علاوه بر تحریم‌های اعمال شده، گفت:«آمریکا از هر ابزاری برای پاسخگو کردن مقامات ایران در مسأله مرگ مهسا امینی بهره خواهد برد.» صدراعظم آلمان در همین روز در یک پیام تویتری با «وحشتناک» خواندن مرگ مهسا امینی زمانی که در بازداشت مأموران پلیس بود، نوشت: «فریبانین تظاهرات و اعتراضاتی که زنان شجاع در ایران به پیش می‌برند مرا تحت تأثیر قرار داده‌اند. مهم نیست در کجای دنیا، اما زنان باید بتوانند مطابق اراده و خواست خود زندگی کنند، بدون آن که ترس جان و هستی خود را داشته باشند.»

با گذشت روزها از ماجرای فوت مهسا امینی و قرار دادن ایران تحت فشارهای مختلف بین‌المللی، دبیر کل سازمان ملل متحد نیز به رغم وظیفه صلح‌جویانه خود، به آمریکا کمک کرد و سخنگوی دبیرکل سازمان ملل در بیانیه‌ای با مطرح کردن واکنش دبیرکل سازمان ملل به اتفاقات اتلانتیک، خواستار انجام تحقیقات درباره نحوه مرگ مهسا امینی شد.

سخنگوی آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در بیانیه‌ای که در وبگاه سازمان ملل منتشر شد، درباره اتفاقات اخیر ایرانی در پی مرگ مهسا امینی، نوشت: دبیرکل به دقت اعتراضات در جریان در ایران را دنبال می‌کند. او در دیدار دو جانبه‌اش با رئیس‌جمهور رئیسی در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲ در حضور انجام تحقیقات درباره نحوه آزادی بیان و تجمع مسالمت‌آمیز تأکید کرد.

در این بیانیه با ابراز نگرانی درباره اتفاقات اخیر ایران و دعوت به خویشتن‌داری، آمده است: «ما بر ضرورت انجام شدن تحقیقاتی فوری، بی‌طرفانه و مؤثر درباره مرگ خانم مهسا امینی از سوی نهادی مستقل و دارای صلاحیت تأکید داریم.»

عقب‌نماندن و با تأکید بر «جراحت‌ها ورده در بازداشتگاه پلیس» به مهسا امینی نوشت: «آنچه برای او اتفاق افتاد غیرقابل قبول است و عواملان این قتل باید پاسخگو باشند.» این اتحادیه تأکید کرد: «ضروری است که مقامات ایرانی اطمینان حاصل کنند که حقوق اساسی شهروندان رعایت می‌شود و کسانی که تحت هر نوع بازداشت هستند، در معرض هیچ‌گونه بد رفتاری قرار نمی‌گیرند.»

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد که مقر آن در ژنو سوئیس است، ضلع دیگر هندسه فشار بر ایران در این روز بود که سخنگوی آن نوشت: «اعتراض‌ها به حد قابل توجهی از سوی جمهوری‌های متعددی در سازمان ملل بین‌المللی دیده نشد و وزارت خارجه آلمان نیز در همان روزها در اقدامی خلاف عرف دیپلماتیک برای سومین بار سفیر ایران در آلمان را فراخواند و آلمانی‌ها اعلام کردند محدودیت‌های ورود ایرانی‌ها به این کشور را تشدید خواهند کرد و روابط دو جانبه (با ایران) و مراوده تجاری معمول در کار نخواهد بود؛ در ادامه همین روند در روز ۱۰ آبان «اولاف شولتزر»، صدراعظم آلمان گفت که اتحادیه اروپا در حال بررسی تحریم‌های بیشتر علیه ایران است.

صدراعظم آلمان ادعای تحریم‌های بیشتر علیه ایران را به بهانه تحولات داخلی ایران مطرح کرده و در توییتی نوشت: «از دیدن مردمی که به‌صورت مسالمت‌آمیز در ایران تظاهرات می‌کنند، شوکه شده‌ام.» صدراعظم آلمان در ادامه با بیانیی مداخله‌آمیز، ادعای خشونت پیش از حد نیروهای امنیتی را مطرح کرد و مدعی شد: «در کنار مردم ایران هستیم. تحریم‌های اتحادیه اروپا مهم است. ما در حال بررسی مراحل بعدی هستیم.»

با وجود آنکه حادثه تروریستی شاه‌چراغ